

آیا بن‌بست اوکراین بر گفتگوهای هسته‌ای ایران تاثیر خواهد گذاشت

به قلم آنا بورشچفسکایا (fa/experts/ana-bwrshchfskaya-0/)

۲۰ ژانویه ۲۰۲۲

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/will-ukraine-standoff-affect-iran-nuclear-talks

العربية (/policy-analysis/hl-stwthr-almwajht-fy-awkranya-ly-almhadthat-alnwyyt-m-ayran/)

درباره نویسنده



آنا بورشچفسکایا (fa/experts/ana-bwrshchfskaya-0/)

آنا بورشچفسکایا هموند ارشد انستیتو واشگتن برای سیاست شرق نزدیک و هموند «بنیاد اروپایی دموکراسی» است. او قبلاً با «شورای آتلانتیک» و «انستیتو پیترسون برای اقتصاد بین‌المللی» و نیز به عنوان تحلیلگر برای یک پیمانکار نظامی آمریکایی در افغانستان کار کرده است.



تحلیل کوتاه

برخی از سیاست‌گذاران غربی ظاهراً بر این باورند که روسیه حتی در حالی که اوکراین را به حمله تهدید می‌کند می‌تواند در قبال ایران مفید واقع شود ولی این نگرش تصویر بزرگتر را در نظر نمی‌گیرد.

هر چند روسیه همیشه در مذاکرات هسته‌ای چندجانبه با ایران نقشی کلیدی داشته است تنش‌افزایی اخیرش در اوکراین سایه‌ای سنگینی بر مذاکرات جاری در وین می‌اندازد. مذاکراتی که هدف از آن احیای برنامه جامع اقدام مشترک سال ۲۰۱۵ (موسوم به برجام) است که در خطر نابودی قرار دارد. در بحبوحه تهدید به جنگ آشکار با کیف سرکوب جاری در قزاقستان و مداخلات گوناگون در خاورمیانه روابط روسیه با غرب احتمالاً به خطرناک‌ترین نقطه عطف از زمان فروپاشی اتحاد شوروی رسیده است. معنای این وضعیت برای رویکرد رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین در قبال گفتگوها با ایران چیست

استراتژی روسیه در قبال ایران

درک طرز فکر فعلی پوتین نیازمند نگاهی تیزبین به رویکرد گذشته او در قبال برنامه هسته‌ای ایران و دیپلماسی مرتبط با آن است. هر چند مسکو همیشه ایران فاقد سلاح هسته‌ای را ترجیح داده اما لزوماً اهداف شیوه‌ها یا خطوط قرمز مشترکی با غرب در این مسئله ندارد. کرملین از تحریم‌ها علیه ایران حمایت کرده و همزمان در جهت تضعیف آن‌ها کار کرده است و مدعی شده که نگرانی‌های غرب اغراق‌آمیز است و به تلاش‌های روسیه برای توسعه تجارت دو جانبه با جمهوری اسلامی صدمه زده است. روسیه همچنین از حمایت خود از تحریم‌ها به عنوان ابزار فشاری برای امتیازگیری (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/how-russia-views-iran-nuclear-talks>) از غرب استفاده کرده است.

در واقع با فراز و فرود مذاکرات طی سال‌ها بسیاری از تحلیل‌گران روسی در محافل خصوصی به این نتیجه رسیدند که پوتین اگر ضروری باشد می‌تواند با ایران هسته‌ای کنار بیاید. مسئله مهم‌تر برای او احتمال چرخش ایران به سمت غرب است. همان‌طور که اخیراً نیویورک تایمز گزارش داده فایل صوتی درزکرده محمدجواد ظریف وزیر خارجه سابق این ایده را تقویت می‌کند چون او اذعان کرده که همتایان روسی در مذاکرات گذشته نمی‌خواستند توافق هسته‌ای به ثمر برسد «چون عادی‌سازی روابط ایران با غرب به نفع مسکو نبود». هر چند جای بحث دارد که در موضوع بسیار مشخص برجام اصلاً این نگرانی بجا بود یا نه. افشاگری ظریف به هر حال اولویت‌های اصلی مسکو را برجسته می‌کند.

قبل و بعد از کریمه

گرچه تصمیم‌های سیاسی پوتین در قبال اوکراین و ایران همزمان شده‌اند ولی به عنوان نمودهایی از یک استراتژی کلی ضدغرب بهتر می‌توان به آن‌ها نگاه کرد تا اینکه مستقیماً به هم مرتبط باشند. ازین رو واشنگتن باید نسبت به تضمین‌های مسکو در هر یک از این دو جبهه محتاط برخورد کند مگر آنکه اقدامات مسکو با نشانه‌های قطعی از تغییرات عمیق‌تر در سیاست‌گذاری همراه باشد.

این الزامات زمانی روشن‌تر می‌شود که به مشارکت فنی و دیپلماتیک گذشته روسیه در برنامه هسته‌ای ایران نگاه کنیم. در سپتامبر ۲۰۱۴ مسکو کنترل نیروگاه هسته‌ای بوشهر را که شرکت دولتی روسی «اتم استروی اکسپورت» قبلاً آن را ساخته بود و اداره می‌کرد رسماً به تهران واگذار کرد. دو ماه بعد روسیه آمریکا و دیگر اعضای گروه ۵+۱ توافق هسته‌ای موقتی با ایران امضا کردند. مدت کوتاهی بعد از آن در مارس ۲۰۱۴ مسکو کریمه را به صورت غیرقانونی به خاک خود ضمیمه کرد و به حمایت از جدایی‌طلبان در شرق اوکراین پرداخت. این تصمیم وضعیتی نه جنگ نه صلح را پدید آورد که کماکان تا امروز ادامه دارد و بن‌بست روسیه با غرب را به سطح تازه‌ای کشانده است. در ضمن پوتین به خاطر جنگ سوریه و منازعه ژئوپولیتیک کلی‌تری که از آن ناشی می‌شد روابط خود با تهران را به سطحی بی‌سابقه (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/vladimir-putin-and-shiite-axis>) ارتقا داد و در سال ۲۰۱۵ مستقیماً در جنگ سوریه مداخله کرد.

شیوه فروش موشک اس-۳۰۰ به ایران طرز کار پوتین علیه اهداف آمریکا را به رغم شرکت در تلاش‌های دیپلماتیک به رهبری آمریکا نشان می‌دهد و در نتیجه نشان می‌دهد که کار با مسکو بر مبنای حسن نیت چقدر می‌تواند ساده‌لوحانه باشد. وقتی در سال ۲۰۰۷ توافق فروش برای اولین بار امضا شد نهادهای دفاعی کلیدی روسیه مثل «روسوبورون اکسپورت» از قبل تحت تحریم‌های آمریکا بودند و این تحریم‌ها در سال ۲۰۰۸ تمدید شد. در ژوئن ۲۰۱۰ سازمان ملل تحریم تسلیحاتی قاطع‌تری علیه ایران تصویب کرد و اواخر همان سال پوتین تحت فشار آمریکا و اسرائیل تحویل عملی این سامانه پدافند هوایی را معلق کرد. از طرف دیگر به خاطر میل دولت اوباما به جلب همکاری روسیه در مذاکرات هسته‌ای ۵+۱ ایالات متحده تحریم‌ها را تمدید نکرد و نیز با اعطای سازشی بی‌سابقه پذیرفت که فروش اس-۳۰۰ را به ایران هم تحریم نکند. وقتی در آوریل ۲۰۱۵ بر سر چارچوب برجام توافق شد مسکو اعلام کرد که تحریم تسلیحاتی علیه ایران دیگر ضرورت ندارد و فروش اس-۳۰۰ را به طور جدی از سر گرفت.

از زاویه دیگر نگاه کنیم کرملین از ابتدا حساب کرد که همکاری جزئی در گفتگوهای هسته‌ای ایران به نفع خودش است فارغ از اینکه این کار از فشار بین‌المللی ناشی از بحران همزمان کریمه بکاهد یا نه. سال‌های مذاکرات ۵+۱ جایگاه مسکو را به سطح یک قدرت بین‌المللی که تصمیمات دیپلماتیک بزرگ بدون آن ممکن نیست ارتقا داد و موضعش را به عنوان یک نیروی موازنه علیه غرب تقویت کرد. برجام به مسکو این امکان را هم داد که پیوندهایش با ایران را گسترش دهد و همزمان از واشنگتن و اروپا هم امتیازاتی بگیرد. سرگئی ربابکوف معاون وزیر خارجه روسیه در آن زمان گفته بود: «اگر روسیه در این گفتگوها شرکت نمی‌کرد توافق در کار بود فکر می‌کنم توافقی حاصل می‌شد ولی شرایط آن برای فدراسیون روسیه بسیار بدتر می‌بود.»

حالا چه تغییر کرده است

روسیه به صراحت تصمیم رئیس‌جمهور ترامپ برای خروج از برجام در سال ۲۰۱۸ را محکوم کرد و آشکارا از تلاش اروپایی‌ها برای نجات آن حمایت نمود. روسیه به طور رسمی از گفتگوهای جاری هم حمایت می‌کند ولی سیاست‌گذاران غربی باید مراقب باشند که انگیزه‌های پشت این تصمیمات را اشتباه برداشت نکنند.

اول آنکه وقتی لاوروف در اواخر دسامبر اظهار کرد کرملین با هر گونه تغییری در این توافق مخالف است بی‌شک اشاره او تا حدی به این ایده بود که باید تحریم تسلیحاتی ایران را دائمی کرد. شورای امنیت سازمان ملل قبلاً به خاطر وتوهای روسیه (و چین) نتوانسته بود قطعنامه‌ای برای چنین تحریمی علیه ایران تصویب کند.

دوم آنکه مسکو کماکان خودش را به عنوان یک دلال قدرت کلیدی در جهان جلوه می‌دهد صرف نظر از این که گفتگو با ایران حاصلی داشته باشد یا نه. مثلاً سفیر روسیه آناتولی آنتونوف در مصاحبه‌ای با *نیوزویک* در ماه گذشته از آمریکا و ایران خواست تا «در مذاکرات حداکثر انعطاف را از خود نشان دهند» و دنبال «ترکیب مطلوبی از مسئولیت و منافع هم برای مشارکت‌کنندگان در مذاکرات و هم تمام جامعه جهانی باشند».

سوم آنکه مسکو همزمان با شرکت در گفتگوها برای ترغیب ایران به رعایت مجدد محدودیت‌های مهم هسته‌ای نگرانی‌های غرب درباره نیات ایران را هم مجدداً کم‌اهمیت جلوه می‌دهد. مثلاً در اواخر دسامبر سخنگوی وزارت خارجه ماریا زاخارووا این ادعا را رد کرد که ایران مذاکرات را به وقفه می‌اندازد. به همین ترتیب در فوریه ۲۰۲۱ هم از تهران دفاع کرد و استدلال کرد که امتناع ایران از رعایت برجام ناقض تعهداتش در قبال پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای نیست. موضوعی که وزارت خارجه آمریکا قبلاً به تفصیل با آن مناقشه

در همین حال به نظر می‌رسد از زمان خروج آمریکا از برجام معاملات تجاری و دفاعی روسیه با تهران رشد کرده است. بنا به گزارش *تهران تایمز* کل تجارت دوجانبه از ۱,۷۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ به ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است و در آگوست گذشته خبرگزاری تاس روسیه گزارش داد که این تجارت طی شش ماه اول سال ۲۰۲۱ در مقایسه با همان دوره در سال ۲۰۲۰ تقریباً ۴۰ درصد رشد داشته است. یک دلیل احتمالی این است که روسیه کمتر از شرکای تجاری دیگر از وضع مجدد تحریم‌ها از سوی واشنگتن تأثیر پذیرفته است. مثلاً غلات بخش عمده صادرات روسیه به ایران را تشکیل می‌دهد و تحریم‌های آمریکا شامل چنین اقلامی نمی‌شود. از این گذشته بنا به گزارش‌ها مسکو آماده است که سی‌ودو فروند جت جنگنده سو-۳۵ به ایران بفروشد که نیروی هوایی ایران را بسیار تقویت خواهد کرد.

به این ترتیب به رغم محکومیت ظاهری خروج واشنگتن از برجام روسیه نه تنها تا حد زیادی از پیامدهای منفی ناشی از تحریم‌ها در امان بوده است بلکه توانسته است تصمیم واشنگتن را به عنوان نمونه دیگری از یکجانبه‌گرایی خطرناک آمریکا جلوه دهد و در حالی که پیوستن به چارچوب برجام در سال ۲۰۱۵ برخی امتیازات کوتاه‌مدت برای مسکو به ارمغان آورد احیای این توافق در حال حاضر لزوماً منافع بیشتری برایش نخواهد داشت. ولی زمان باقیمانده از گفتگوها مشروط بر آنکه دوام داشته باشد می‌تواند به پوتین کمک کند تا نقش خود را به عنوان یک دلال قدرت جهانی حفظ کند.

اوکراین چه نقشی بازی می‌کند

سازماندهی فعلی نیروهای نظامی روسیه در مرز اوکراین و دیگر تحرکات بی‌ثبات‌کننده‌اش از تحریکات قبلی روسیه جدی‌تر است و مطالباتی که از ناتو کرده به نظر می‌رسد چیزهایی عمداً ناشدنی هستند. بعد از خروج تاسف‌بار

(<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/how-russia-stands-gain-thanks-bidens-afghanistan-disaster>)

دولت بایدن از افغانستان و تعلیق تحریم‌ها علیه پروژه خط لوله «نُرد استریم ۲» پوتین احتمالاً بیش از همیشه جسارت یافته تا شرایط انحلال شوروی را اصلاح کند. او در ۳۰ دسامبر به بایدن هشدار داد که تحریم روسیه به‌خاطر اعزام نیرو به مرز اوکراین می‌تواند منجر به «قطع کامل روابط» شود. اولتیماتومی بی‌سابقه که تحلیل‌گر کهنه‌کار جان آرث به درستی آن را «باج‌گیری هسته‌ای» خواند. معنای این برای مذاکرات هسته‌ای با ایران چیست. اول مسکو به منافع خودش متعهد خواهد ماند صرف‌نظر از اینکه گفتگوهای وین به کجا ختم شود. پوتین سال‌ها به‌سختی تلاش کرده تا نظم جهانی به رهبری آمریکا را تضعیف کند. پس او هر کاری بتواند می‌کند تا تحولات اخیر را در همان جهت پیش ببرد. همکاری اولیه او در برجام هرگز لطفی در حق واشنگتن نبود و هر گونه رفتار ظاهراً مفید روسیه در وین را هم نباید از آن دریچه نگاه کرد. فارغ از اینکه چه اتفاقی در اوکراین می‌افتد.

دوم چون مسکو ظاهراً منافع ناچیزی در احیای برجام دارد می‌تواند صبر کند تا برجام سیر عادی خود را از طریق افت و خیز دیپلماسی ایران طی کند. در مقابل غرب ایران را تهدیدی مهم خواهد دید. پس پوتین می‌تواند کماکان از این امر به عنوان اهرم فشاری در جبهه‌های دیگر استفاده کند و شاید حتی نشان دهد که اگر واشنگتن در مورد اوکراین با او کنار بیاید او هم در مورد ایران بیشتر کمک خواهد کرد. اگر چنین شود سیاست‌گذاران اصلاً نباید به حرف او اعتماد کنند.

در تئوری مسکو می‌تواند تغییر واقعی سیاست خود را با برداشتن گام‌هایی قاطع مثل محدود کردن نفوذ ایران در سوریه توقف فروش سلاح به تهران و/یا انتقاد از ایران بر سر مسئله هسته‌ای نشان دهد. متأسفانه هیچ یک از این سناریوها واقع‌بینانه نیست. شاید سیاست‌گذاران غربی دوست دارند باور کنند که روسیه حتی اگر هم حرکات خطرناکی علیه اوکراین صورت دهد می‌تواند در مورد ایران کمک‌کار باشد ولی باید تصویر کلی‌تر را ببینند: موضع ضدغربی پوتین هرگز به اروپا محدود نبوده است. بنابراین واشنگتن و شرکایش باید بر ایجاد یک استراتژی متحد تمرکز کنند که نه تنها موضع آمریکا را در مذاکرات وین تقویت کند بلکه وجود اراده سیاسی را برای دفاع مستحکم از نظم جهانی قاعده‌مند نیز در صورت لزوم نشان دهد.

آنا بورشچفسکایا هموند ارشد انستیتو واشنگتن و نویسنده کتاب جدید جنگ پوتین در سوریه: سیاست خارجی روسیه و هزینه غیبت

آمریکا (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/putins-war-syria-russian-foreign-policy-and-price->)

(americas-absence) است.





ARTICLES & TESTIMONY

The Ukraine Crisis Isn't Over: Russia Has Lied About Troop Withdrawals Before

فوریه ۲۰۲۲ ۱۶

Anna Borshchevskaya

[\(/policy-analysis/ukraine-crisis-isnt-over-russia-has-lied-about-troop-withdrawals\)](#)



ARTICLES & TESTIMONY

As China Thrives in the Post-9/11 Middle East, the US Must Counter

فوریه ۲۰۲۲ ۱۶

Jay Solomon

[\(/policy-analysis/china-thrives-post-911-middle-east-us-must-counter\)](#)



BRIEF ANALYSIS

Unpacking the UAE F-35 Negotiations

فوریه ۲۰۲۲ ۱۵

Grant Rumley

[\(/policy-analysis/unpacking-uae-f-35-negotiations\)](#)

TOPICS

[\(fa/policy-analysis/nzamy-w-amnyty/\)](#) نظامی و امنیتی

[\(fa/policy-analysis/rqabt-qdrthay-bzrg/\)](#) رقابت قدرتهای بزرگ

[\(fa/policy-analysis/mn-ashah/\)](#) منع اشاعه

